

#### سوپر استار

#### زشت دوست‌داشتنی

■ جولیا رابرتز که در اواخر دهه ۶۰ متولد شده اصالتی جورجیایی دارد، اما در یک محیط هنرشناس رشد کرد. متولد ۲۸ اکتبر ۱۹۶۸ در اسمیرناست. والدینش عاشق بازیگری بودند و همین باعث شد تا هر دو فرزند خانواده یعنی جولیا و اریک شوق و ذوق بازیگری را از همان کودکی نشان بدهند. اریک زودتر از جولیا وارد صنعت سینماسازی شد. سال ۱۹۷۸ یعنی یک سال بعد از آنکه پدرشان از یک بیماری طولانی سرطان در سن ۴۷ سالگی در گذشت، اریک در سلطان کولی‌ها به کارگردانی فرانک پیرسون ایفای نقش کرد و این باعث شد تا جولیا راحت‌تر بتواند به جرگه هالیوودی‌ها بپیوندد تا جایی که چند سال بعد برادرش را پشت سر گذاشت و اعتباری چند برابر بیشتر در میان سینماورها پیدا کرد. جولیا رابرتز اولین فیلم خود را با عنوان قرمز خونی (۱۹۸۶) بازی کرد که به‌دلایلی تا ۱۹۸۹ اکران نشده سپس در چند کار تلویزیونی اواخر دهه ۸۰ حضور پیدا کرد تا آنکه اولین نقش اساسی خود را در سال ۱۹۹۸ با فیلم رضایت بازی کرد. این نقش باعث می‌شود تا نقشی بهتر به عنوان یک پیشخدمت پیتزا فروشی در فیلم پیتزای مرموز در سال ۸۹ به دست آورد که در آن با آنبت گیش و لیو تایلور همبازی بود. اثر قابل توجهی در روند حرفه‌ای جولیا نبود اما کمک شایانی به او کرد تا نقش شلیبی یک مادر نگوین‌بخت را در ماگنولیاهای فولادی به دست بیاورد و نامزدی اسکاری شود که او را در کنار نام‌هایی چون شرلی مک‌کلین و سالی فیلد قرار می‌دهد. چند سال بعد گری مارشال با کمدی رومانتیک زن زیبا سراغ او می‌آید هر چند نقش دشواری بود اما ریچاردگر به عنوان یک همبازی کمک می‌کند تا راحت‌تر از عهده آن بر بیاید. سال ۹۱ اتفاق جالبی برای او می‌افتد او درست سه روز پیش از مراسم عقد، نامزدی‌اش را با کیفر ساترلند به هم می‌زند و با کمال نابلوری اعلام می‌کند که می‌خواهد با خواننده سبک کانتری لیل لسوت ازدواج کند. فیلم‌های او در این سال‌ها به نوعی جنجال‌برانگیز بودند، اما هیچکدام آثار پرفروش یا قابل اعتنا نبودند تا اینکه همراه با دنزل واشنگتن در پرونده پلیکان ایفای نقش می‌کنند و به همان قالب موفق قبلی بازمی‌گردد و می‌شود قهرمان آثار درام‌اتیک. او با دو اثر یکی مایکل لینز در کنار لیم نیسون و دیگری فرضیه توطئه در کنار میل کیبسون باز هم به اوج باز می‌گردد و از این جا وارد حیطه پیروزی می‌شود. بازی در کمدی موفقی چون ناتینگ‌هیل همراه با هیو گرانت، عروس فراری را ریچادگر و البته بالاتر از همه عروسی بهترین دوستم به همراه روبرت اورت و بازیگر تازه واردی به نام کامرون دیاز نام جولیا را در صدر رزان گیشه‌هاز هالیوود قرار می‌دهد. اما موفقیت بزرگ او میسر نشد تا اینکه در سال ۲۰۰۰ با بازی در فیلم اثرگذار استیون سودریگ با عنوان اربن براک‌ووج برنده اسکار می‌شود. او سال ۲۰۰۱ همراه بیلی کریستال، کاترین زیسا جونز و جان کیوزاک در محبوب‌های آمریکایی بازی می‌کند و هم‌زمان با براد پیت در فلتزری «مکزیک» حضور می‌یابد. در حین ساخته شدن همین فیلم بود که با فیلمبرداری به نام دنی مور آشنا می‌شود در حالی که همان رابطه چهار ساله‌اش با هنرپیشه کمتر شناخته شده بنیامین برات به پایان رسیده بود. به غیر از اینها در سال ۲۰۰۱ او در درام یازده یا اوشن نیز بازی می‌کند که همکاری مجددش با



مت دمون پس از سال‌ها و براد پیت بود و اولین همکاری‌اش با جرج کلونی و دان چیدل محسوب می‌شود. اعتراف یک ذهن خطرناک در سال ۲۰۰۲

اثری از جرج کلونی بود و او به واسطه آشنایی و دوستی با او از میزان بالای دستمزد خود برای بازی صرف نظر می‌کند تا در کنار او سام راگول و دروبری مور ایفای نقش کند. سال ۲۰۰۳ در لیخنه موالیبرا با بازیگران جوانی چون جولیا استایلز کریستین و مگی کلیف‌هال همبازی می‌شود و سال ۲۰۰۴ نیز به دنبال موفقیت یازده یا اوشن با دوازده یار اوشن بازی می‌کند. یکی از آخرین موفقیت‌های او بازی در فیلم «بخور، عبادت کن و عشق بورز» بود که برای او شهرت جهانی داشت و هم‌زمان بااکران این فیلم مسولان جشنواره سن سباستین اسپانیا به خاطر یک عمر فعالیت هنری از او تقدیر کردند

جولیا رابرت محبوب و دوست داشتنی تمام این محبوبیت ها را در حالی به دست آورده که مثل بسیاری از هنرپیشگان به نام هالیوود، زیبایی‌های چشمگیری ندارد. دهان گشاد او خاطره‌لیخندهای او را در خاطره‌ها ضبط می‌کند. با این همه و با زیبایی که نداشته، جولیا به خوبی پله‌های موفقیت را بالا رفته است و حالا از بهترین‌های هالیوود است.

## چهره



عکس: عباس کوثری، شرق

مصاحبه با غلامرضا عنایتی، کارگر فرش مشهد و بازیکن در جام جهانی فوتبال

# شانس در خانه‌ام را زد و من هم در را باز کردم

حمید فراهانی راد

چند هفته پیش بود که با «محمد نصر تی» مصاحبه کرده بودیم و او گفته بود که خیلی اتفاقی و با دیدن یک اعلامیه روی شیشه سوپرمارکت محله‌شان برای تست گرفتن، فوتبالیست‌شده‌اما وایت فوتبالیست‌شدن غلامرضا عنایتی هم کم از او ندارد. تصور کنید کارگر شرکت فرش مشهد باشی و در تیم کارگری این شرکت هم که گاهی بازی می‌کنی؛ یک نفر از بازی‌ات خوشش می‌آید و بعد همه‌چیز دست به دست هم می‌دهد و پله‌پله مراحل پیشرفت را طی می‌کنی و یک روز به خودت می‌آیی، می‌بینی شده‌ای آقای گل لیگ برتر فوتبال ایران و قرار است در جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان روبروی کریستیانو رونالدو، فیگو و مارکز که از بزرگان فوتبال جهان هستند، بازی کنی و قراردادهای پیشنهادهاست که به سمت هجوم می‌آورد؛ به همین خاطر هم هست که خودش می‌گوید سقف آرزوها و رویاهایش بازی در زمین‌های خاکی با بچه‌محل‌ها بوده و اینکه یک روز بخواهند در استاندیوم‌ها صدایش را فریاد بکشند و تشویق کنند، اصلاً آرزویش نبوده که بخواهد به واقعیت تبدیل‌ش کند؛ با غلامرضا عنایتی آقای گل سه دوره لیگ برتر، مهاجمی که سال‌ها ذخیره بودن بزرگانی همچون علی دایی و خداداد عزیزی در تیم ملی را نوعی افتخار برتری خودش می‌داند، استقلالی‌ای که با پرسپولیس قرارداد داخلی هم امضا کرده بود و امسال با سپاهان قهرمان لیگ برتر شد، گفت‌وگویی اختصاصی انجام دادیم که مطمئناً از خواندنش لذت خواهید برد.

روز یک ساعت دور زمین بودند، استوک کفش به صورت‌شان بخورد، چندباری دماغ‌شان بشکند، دنده‌شان ناصی شود، نمی‌دانم منسک یا پاشان پاره شود تا نتوانند شش ماه حتی راه بروند، نشینند و… تا دیگر از این حرف‌ها نزنند. از قدیم گفته‌اند صدای دهل از دور خوش است. آنهایی که چنین صحبت‌هایی می‌کنند و مخالف دستمزد بازیکنان فوتبال هستند، خودشان هم می‌دانند، دارند زیاده‌روی می‌کنند و بیش از حد این موضوع را گنده جلوه می‌دهند، دلییش را هم نمی‌دانم! مسلماً هر کاری شرایط و سختی‌های خاص خودش را دارد و در فوتبال هم مثل همه کارهای دیگر خطر و سختی وجود دارد، آنچنان که بارها دیدهایم در همین فوتبال، بازیکنی بوده که قطع نخاع شده یا حتی داشته‌ایم بازیکنی که وسط زمین فوت کرده یا نقص عضو پیدا کرده است. این دوستان به ظاهر منتقد همه چیز را ول کرده‌اند و فقط چسبیده‌اند به اینکه چرا فوتبالیست‌ها اینقدر دستمزد می‌گیرند!

روز یک ساعت دور زمین بودند، استوک کفش به صورت‌شان بخورد، چندباری دماغ‌شان بشکند، دنده‌شان ناصی شود، نمی‌دانم منسک یا پاشان پاره شود تا نتوانند شش ماه حتی راه بروند، نشینند و… تا دیگر از این حرف‌ها نزنند. از قدیم گفته‌اند صدای دهل از دور خوش است. آنهایی که چنین صحبت‌هایی می‌کنند و مخالف دستمزد بازیکنان فوتبال هستند، خودشان هم می‌دانند، دارند زیاده‌روی می‌کنند و بیش از حد این موضوع را گنده جلوه می‌دهند، دلییش را هم نمی‌دانم! مسلماً هر کاری شرایط و سختی‌های خاص خودش را دارد و در فوتبال هم مثل همه کارهای دیگر خطر و سختی وجود دارد، آنچنان که بارها دیدهایم در همین فوتبال، بازیکنی بوده که قطع نخاع شده یا حتی داشته‌ایم بازیکنی که وسط زمین فوت کرده یا نقص عضو پیدا کرده است. این دوستان به ظاهر منتقد همه چیز را ول کرده‌اند و فقط چسبیده‌اند به اینکه چرا فوتبالیست‌ها اینقدر دستمزد می‌گیرند!

روز یک ساعت دور زمین بودند، استوک کفش به صورت‌شان بخورد، چندباری دماغ‌شان بشکند، دنده‌شان ناصی شود، نمی‌دانم منسک یا پاشان پاره شود تا نتوانند شش ماه حتی راه بروند، نشینند و… تا دیگر از این حرف‌ها نزنند. از قدیم گفته‌اند صدای دهل از دور خوش است. آنهایی که چنین صحبت‌هایی می‌کنند و مخالف دستمزد بازیکنان فوتبال هستند، خودشان هم می‌دانند، دارند زیاده‌روی می‌کنند و بیش از حد این موضوع را گنده جلوه می‌دهند، دلییش را هم نمی‌دانم! مسلماً هر کاری شرایط و سختی‌های خاص خودش را دارد و در فوتبال هم مثل همه کارهای دیگر خطر و سختی وجود دارد، آنچنان که بارها دیدهایم در همین فوتبال، بازیکنی بوده که قطع نخاع شده یا حتی داشته‌ایم بازیکنی که وسط زمین فوت کرده یا نقص عضو پیدا کرده است. این دوستان به ظاهر منتقد همه چیز را ول کرده‌اند و فقط چسبیده‌اند به اینکه چرا فوتبالیست‌ها اینقدر دستمزد می‌گیرند!

دیگر آن زمان گذشت که پدر و مادرها بخواهند نظر و علایقشان را به بچه‌هایشان تحمیل کنند و مسیر زندگی بچه‌ها را پدر و مادرهایشان تعیین کنند؛ درباره پسرهای خودم هم (امید و معین) همین شرایط وجود دارد و به زور نمی‌توانم به آنها بگویم حتماً باید فوتبالیست‌شود یا دنبال کار یا رشته‌ای که من مشخص می‌کنم، بروید! مسلماً میل و خواست باطنی خودم این است که پسرهایم نیز مانند پدرشان فوتبالیست شوند و خدا را شکر من معین و هم امید تاا به فوتبالیست شدن علاقه دارم و من هم تا آنجا که امکان داشته باشد، سعی می‌کنم کمک‌شان کنم. البته این موضوع را نمی‌دانم که چون پدرشان فوتبالیست بوده، راه خیلی سخت‌تری برای رسیدن به موفقیت پیش‌تر دارند و خیلی‌ها دوست نخواهند داشت آنها هم به جایگاه بالایی برسند.

متأسفانه تا دل‌تان بخواد در کشور ما برای بازیکنان و افراد مشهور شایعه و حاشیه درست می‌کنند و تنها چیزی که اگر در فوتبال ما نباشد، جای تعجب است، شایعه است! بدون شک مشکلات و معضلات فوتبال ما انقدر زیاد هست که بتوان خیلی کارهای مثبت و رو به جلو انجام داد اما یک‌سری فقط چسبیده‌اند به ساختن شایعه و ایجاد ذهنیت منفی در افکار عمومی و این خیلی شرایط را برای بازیکنان مشهور سخت می‌کند.

می‌توانستیم یاره دنده خردشده، دماغ شکسته خریداریم! آنهایی که این همه به دستمزد فوتبالیست‌ها گیر می‌دهند و می‌گویند بازیکنان فوتبال زیاد پول می‌گیرند، باید ببینند در

#### بیوگرافی

#### مصاحبه‌ای جدید از رضا عنایتی شاید فیلم هم ساختم

■ مهاجم تیم فوتبال سپاهان اصفهان با ابراز خرسندی از قهرمانی این تیم در مسابقات لیگ برتر گفت: «با وجود قهرمانی در لیگ برتر فصل خوبی را با تیم سپاهان پشت‌سر گذاشتیم». رضا عنایتی ضمن بیان این مطلب افزود: «اگر ملاک ارزیابی قهرمانی، تیم سپاهان باشد، من به همراه دیگر بازیکنان فصل خوبی را پشت سر گذاشتیم. تیم ما با اقتدار قهرمان شد و در آسیا نیز نتایج خوبی گرفت اما به‌شخصه برای من فصل خوبی نبود، چرا که اتفاقاتی رقم خورد که روی عملکردم تأثیر منفی گذاشت. وقتی اسم رضا عنایتی در فوتبال ایران مطرح می‌شود، همه انتظار و توقع دارند این بازیکن جزو سه چهار گلزن برتر لیگ باشد. من این فصل هم با همین هدف به سپاهان آمدم اما در طول فصل اتفاقاتی رقم خورد که باعث شد کارایی لازم را نداشته باشم. در کل فصل خوبی نداشتم و بیشتر از اینکه تمرکزم روی بازی باشد، درگیر اتفاقاتی حاشیه‌ای بودم که هیچ نقشی در به وجود آمدن آنها نداشتیم.»مهاجم تیم فوتبال سپاهان اصفهان در پاسخ به این پرسش که «چرا این حواشی برای رضا عنایتی در اصفهان به وجود آمد؟»، گفت: «مانی که من به اصفهان آمدم، برخی‌ها علیه من جبهه‌گیری کردند. چرایی‌اش را نمی‌دانم اما به هیچ عنوان تصور نمی‌کردم به این شدت علیه من جوسازی کنند. در فوتبال ایران بازیکنی بوده و هستم که هیچ توجهی به حواشی نداشته‌ام و فقط کار خود را می‌کنم. بیشتر دنبال این هستم که کار خود را باب میل باشگاه و مربی تیم انجام دهم و کاری به حواشی ندارم. این فصل نیز رویه‌ام تغییر نکرده بود اما ناخودآگاه درگیر حواشی شدم. دلیل این جبهه‌گیری‌ها را نمی‌دانم. من بازیکن کوچکی نبودم و از این کوچکی هم به سپاهان نمانده بودم. متأسفانه خیلی زود برخی‌ها با شیطنت علیه من موضع‌گیری کردند که خوشبختانه مدیرعامل باشگاه خیلی زود مقابل آنها موضع گرفت که ج‌ا دارد از این بابت از ایشان تشکر کنم.» مهاجم تیم فوتبال سپاهان اصفهان تصریح کرد: «قرارداد من با باشگاه سپاهان تا یک ماه دیگر به اتمام می‌رسد و هنوز مشخص نیست که فصل آینده در این تیم می‌مانم یا به تیم دیگری می‌روم.»

■ تاکتی می‌خواهیم به بازی ادامه دهی؟

تا زمانی که بدمن جواب بدهد و بتوانم برای تیمی که در آن بازی می‌کنم مفید باشم. هیچکس بهتر از خود بازیکن نمی‌تواند تشخیص دهد که تا کی می‌تواند بازی کند.

■ در حال حاضر شرایط بدنی‌ات خوب است؟ خدا را شکر در آمادگی کامل به سر می‌برم و شرایط بدنی‌ام خیلی خوب است. به نظر من امروز در فوتبال حرفه‌ای دیگر بحث سن و سال مطرح نیست و این آمادگی بدنی بازیکن است که حرف اول و آخر را می‌زند. نمونه بارز آن هم فان در سار و گیگز هستند.

احسناً! شما نگاه کنید که در فوتبال ما به این مسایل خیلی توجه می‌شود و به محض اینکه یک بازیکن ۳۰ سال را می‌گذارد تمام مطبوعات می‌نویسند که فلائی دیگر تمام شد.

■ اصلاً چرا رور دار بروسم، نظرت راجع به فرهاد مجیدی که بهترین سال‌های فوتبال خود را می‌گذراند، چیست؟

فرهاد مجیدی هم بازیکن بسیار خوبی است و این همان موضوعی است که گفتیم. الان بازیکن بالای ۳۰ سال داریم که در بازی بالای هفت، هشت کیلومتر می‌دود ولی یک بازیکن ۲۰ ساله ۲ کیلومتر هم نمی‌تواند بدود.

■ بازی ملی‌ات چرا کم است؟

من ۸ سال در تیم ملی بازی کردم و حدود ۳۰ بازی ملی دارم. البته به خاطر مفارقت دو فوتبال ما در خط حمله مانند علی دایی، خداداد عزیزی و وحید هاشمیان بازی در تیم ملی کمتر به من رسید.

■ یاسمن می‌آید بعد از بازی با مکزیک گفتی که اگر جنازه من در زمین بود گل می‌زد.

بله، من از دست برانکو که من را بسازی نمی‌داد عصبانی بودم و بعد از بازی این حرف را زدم البته همان موقع هم از دایی عذرخواهی کردم.

■ دوست داری با چه تیمی خداحافظی کنی؟ من آرزوی قلبی‌ام این است که بتوانم آخرین سال بازی‌ام را در تیم استقلال سپری کنم و با این تیم خداحافظی کنم. خاطرات زیادی با استقلال دارم و دوست دارم در کنار آنها از فوتبال خداحافظی کنم.

■ به مریگیری هم فکر می‌کنی؟

صد درصد من نمی‌توانم از فوتبال دور شوم و قصد دارم بعد از پایان فوتبال مربی شوم.

■ از خوانندگی چه خبر؟ فروش آلبومت خوب بود؟

فروش آلبوم که خوب بود در صورتی که من اصلاً فکر نمی‌کردم فروش چندانی داشته باشد. خلاصه نمی‌دانم مردم از صدای من خوششان آمده یا به‌خاطر کنجکاوی و

اینکه ببینند صدای عنایتی چطور است آلبوم را خریدند.

■ به نظرت خوانندگی عنایتی بهتر است یا فوتبال؟

به نظر خودم فوتبالم بهتر است. خودم از آلبوم راضی نبودم ولی با این حال استقبال خوبی از آن شد.

■ چه شد خواننده شدی؟

در یک جمعی بودم که یکی، دو نفر از دوستانم که کارشان تنظیم آهنگ و موسیقی است هم در آنجا حضور داشتند و من هم برایشان خولدم که مورد استقبال آنها قرار گرفت و همین شد که اولین آلبوم را درست کردم.

■ کلاً استعدادهایت را دیر کشف می‌کنی؟

بله موقاف ما قسمت این‌طور بود. در زندگی خیلی

وقت‌ها تو استعدادهایی داری که خودت متوجه آن نیستی

و باید زمینه‌ش فراهم شود تا بتوانی آنها را نشان دهی.

■ احتمالاً چند وقت دیگر هم فیلمی می‌بینیم با کارگردانی رضاعنایتی.

حالا باید دید چه می‌شود. شاید هم این اتفاق بیفتد.

منبع:هفته‌نامه تماشاگر